

★ فراهای حساس
از زندگانی
امیر مؤمنان ع

★ جعفر سبحانی

رسیدن به خلافت، اندیشه دیرینه معاویه بود

دلایل گذشته، به روشنی ثابت کرد که کوتاه ساختن دست عناصری مانند «معاویه» از شتون خلافت، نه تنها مقتضای پرهیزگاری و درستکاری بود، بلکه مآل اندیشی و آینده-نگری و سیاست و درایت و تحمل ضرر کمتر، نیز همان را ایجاب می‌کرد، و راه امام درست-ترین راهی بود که يك سیاستمدار واقع بین، می‌توانست آن را انتخاب کند و مدارا با معاویه جز زیان مضاعف، حاصل دیگری نداشت.

اگر «ابن عباس» به امام توصیه می‌کرد که با دشمن دیرینه خود مدارا کند، دور از واقع-بینی سخن می‌گفت؛ و اگر داهی و سیاستمدار معروف عرب «مغیره بن شعبه» به امام توصیه کرد که معاویه را از مقامش عزل نکند، روز بعد، نظر مخالف داد، و گفت مصلحت این است که او را از کار منفصل سازد ولی هرگز معلوم نیست که در کدام يك از این دو نظر، صداقت داشت.

ساده دلانی که می‌اندیشند که «ابقای معاویه» بر مقام خویش، به مصلحت شخص امام بود، ولی چون امام از آن معدود مردانی بود که پیروی از حق را بر همه چیز مقدم می‌داشت از این جهت بدون در نظر گرفتن نتیجه کار، و بدون محاسبه سود و زیان سیاسی و نظامی آن، فرمان عزل معاویه را صادر کرد، از روحیات معاویه و افکار دیرینه او در رسیدن به خلافت،

وفعالیت‌های اودردوران خلیفه سوم ونامه‌پرانی‌های او پس ازقتل عثمان وپیش ازرسیدن فرمان عزل ازجانب امام و... آگاه نبوده ومسئله را سطحی بررسی کرده‌اند .

* * *

اینک ما، برخی ازدلائل تاریخی این موضوع را که گواهی می‌دهند که وی هدنی جزتشکیل یک امپراطوری به‌ظاهراسلامی نداشت و اگرهم امام، فرمانداری شام راه‌وی تفویض می‌کرد، هرگز نه‌تنها به آن قانع نمی‌شد بلکه از آن سوء استفاده هم می‌کرد . دراین‌جا منعکس می‌سازیم.

۱- پس ازقتل خلیفه، نعمان بن بشیر، بانامه همسرعثمان وپیراهن خونین وی، رهسپارشام شد، واوضاع مدینه را گزارش کرد ومعاویه بالای منبررفت، وپیراهن عثمان را به‌دست گرفت ونشان مردم شام داد، وآنان را به‌گرفتن خون خلیفه دعوت کرد مردم بادیدن پیراهن خونین خلیفه سخت گریستند ! وگفتند توپسر عموی خلیفه وولی شرعی او هستی ما نیزمانند تو، خواهان انتقام اوهستیم سپس با اوبه عنوان امیرمنطقه شام بیعت کردند، اوافرادی را برای آگاه ساختن شخصیت‌های برجسته‌ای که دراستان‌شام می‌زیستند، اعزام کرد، ونامه‌ای نیزبه «شرجیل» «کندی» شخصیت متنفذ شهر «حمص» نوشت واز اودرخواست کرد، که با اوبه عنوان امیرمنطقه شام بیعت کند، وی درپاسخ او نوشت تو خطای بزرگی را مرتکب شدی وازمن درخواست کردی که با توبه‌عنوان «امیری» بیعت کنم، خون خلیفه پیشین راآن‌کس می‌تواند بازستاند که خلیفه مسلمین باشدنه امیرمنطقه ازاین جهت من باتو، به‌عنوان خلیفه مسلمین بیعت می‌کنم.

وقتی نامه «شرجیل» به معاویه رسید وی سخت خوشحال گردید، ونامه را برای مردم شام خواند وازآنان به‌عنوان خلیفه مسلمین بیعت گرفت، سپس باب‌مکاتبه‌با علی گشود. (۱)

این فراز از تاریخ حاکی است که مزاج وی آنچنان آماده پذیرش خلافت بود که بایعت متنفذ شهر «حمص»، خود رافوراً کاندیدای خلافت کرد، وموضوع خلافت رادرشام مطرح نمود، واز مردم آنجا، بی‌آنکه به بیعت انقلابیون به‌ویژه بیعت مهاجر و انصار با علی (ع) اعتناء بکند، برای خود بیعت گرفت توگوئی زمینه را از سالیان دراز، آنچنان فراهم ساخته بود که دریک مجلس طرح مسأله بیعت، واخذ آن پایان پذیرفت. آنگاه با علی باب مکاتبه را باز نمود.

باتوجه به این فراز از تاریخ نتیجه می‌گیریم که اگر امام استانداری شام را به وی واگذار می‌کرد، نه تنها آن را نمی‌پذیرفت بلکه از آن به‌سود خویش، وزیران امام بهرم برداری می‌نمود.

۲- هنگامی که معاویه، از بیعت مردم مدینه با علی آگاه گردید، پیش از آنکه نامه‌ای از امام به وی برسد و نامه، یکی به زبیر، و دیگری به طلحة نوشت و هر دو را برقبضه کردن، دوشهر بزرگ اسلامی عراق یعنی کوفه و بصره، تشویق و تحریک کرد و در نامه خود به زبیر این چنین نوشت:

من از مردم شام برای تویبعت گرفته‌ام زودتر، خود را برای تصرف کوفه و بصره آماده ساز، و من پس از تو باطلحه بیعت کردم هر چه زودتر به خون خواهی عثمان قیام کنید و مردم را برای گرفتن آن دعوت نمائید. «زبیر» از مضمون نامه بسیار خوشحال گردید و طلحة را از مضمون آن آگاه ساخت. و هر دو مصمم شدند که برضد امام قیام کنند.

معاویه نامه دیگری به طلحة نوشت، که مضمون آن، با نامه‌ای که به زبیر نوشته بود کاملاً مغایر بود، وی در آن نامه می‌نویسد: من کار خلافت را بر هر دو نفر هموار ساخته‌ام، هر کدام از شما، خلافت را به دیگری واگذار کند، پس از درگذشت او، آن دیگری خلیفه مسلمین خواهد بود. (۱)

شکی نیست که هدف از تحریک طلحة و زبیر، بر دعوی خلافت و تصرف کوفه و بصره جز تضعیف موقعیت امام، و محکم کردن جای پای خود در محیط شام، چیز دیگری نبود، تا با ایجاد اختلاف در صفوف امام و همکاری این دو نفر بتواند، زمام کار را از دست امام بگیرد، و در صورت موفقیت، پیروزی بر طلحة و زبیر (این دو صحابی دنیا طلب، و دروغین حال ساده) کار سهل و آسانی بود.

* * *

۳- معاویه در آغاز کار، و در نیمه‌های جنگ صفین به امام پیشنهاد کرد که حکومت شام و مصر را به صورت خود مختاری بر او واگذار کند و خراج و مالیات این دو منطقه، در اختیار او باشد، و پس از درگذشت امام، او خلیفه مسلمین گردد. اینک مشروح این قسمت: امام در آغاز کار، شخصیتی مانند «جریر بجلی» را همراه نامه‌ای، به شام اعزام کرد و در نامه خود این چنین نوشت:

۱- شرح حدیدی ج ۱ ص ۷

گروهی که با ابوبکر و عمرو عثمان بیعت کردند، بامن نیز بیعت کردند. پس از اتفاق مهاجرت و انصار بیعت بامن به عنوان خلافت، دیگری حق گزینش خلیفه ندارد خواه در موقت بیعت در مدینه باشد یا نباشد.

جریر با نامه امام وارد شام شد، و نامه را تسلیم معاویه کرد ولی وی در دادن پاسخ تعلل ورزید و با افرادی مانند «عقبه» و «عمرو عاص» مشورت کرد و سرانجام به سفیر علی، مکتون قلبی خود را گفت: «ببراز کرد که اگر امام از شام و مصر صرف نظر کند و درآمد آنجا را بامن واگذار نماید، در این صورت من او را به خلافت خواهم شناخت.

سفیر امام طی نامه‌ای نظر معاویه را به امام گزارش داد و امام در پاسخ وی یادآور شد که معاویه می‌خواهد، بامن بیعت نکند و سرانجام به مقصود خود برسد و با «وقت گذرانی» و پیش کشیدن تز (دورنسی) جای پای خود را محکم سازد، بنابراین چنانچه او بیعت کرد چه بهتر و در غیر این صورت شام را ترك کن و به سوی ما بشتاب (۱)

از پاسخ امام به روشنی استفاده می‌شود که هدف معاویه از این پیشنهاد این بوده که بیعت و اطاعت امام برگردن او نباشد و او به صورت يك حاکم اصیل و مختار، بر این دو منطلقه عظیم حکومت کند و هرگز امام در حساب و کتاب و گماشتن مأموران آنجا مداخله نکند خدا می‌داند که پس از آن، و پس از محکم شدن جای پای او، در این نقطه چه نقشه‌ای بر ضد امام و واژگون کردن حکومت او بریزد.

بعلاوه، این همان تز دورنسی است که عقل و شرع آن را به رسمیت نشناخته و جز تقسیم قلمرو حکومت اسلامی، میان افراد، نتیجه دیگری نداشته است.

گواه روشن بر اینکه معاویه خواهان خلافت بود نه نمایندگی از جانب امام، جمله‌ای است که امام در نامه خود به او می‌نویسد: «و أعلم یا معاویه انك من - الطلقاء الذین لا تحل لهم الخِلافة ولا تعهد معهم الامانة ولا تعرض فیهم الشوری (۲)».

بدان ای معاویه تو از آزادشدگان هستی که خلافت بر آنها جایز نیست و با بیعت آنان خلافت کسی ثابت نمی‌شود و حق عضویت در شورای ندارند، (طلاقاً، کسانی هستند که در جریان فتح مکه مورد عفو عمومی پیامبر قرار گرفتند).

۱- الامامة والسیاسة ج ۱ ص ۸۹، کتاب صفین ص ۵۳۸

۲- الامامة والسیاسة ص ۸۷

بانه‌ای بنام قاتلان عثمان

یکی از دلایل روشن بر این که معاویه خواهان خلافت بود، این است که وی در دوران امام بیش از همه چیز، روی قاتلان عثمان تکیه می‌کرد، و از امام می‌خواست که آنان را، تحویل دهد تا از این طریق برائت و پیراستگی امام ثابت گردد. او به خوبی می‌دانست که قاتلان عثمان يك یا دو نفر نبودند که امام آنها را دستگیر کند و تحویل دهد زیرا صفوف مهاجمان را گروهی از اهل مدینه و تعداد زیادی از اهالی مصر و عراق تشکیل می‌داد که خانهٔ خلیفه را محاصره کردند و او را کشتند و شناسائی چنین گروهی امکان‌پذیر نبود، خود معاویه این مشکل را بیش از همه درک می‌کرد. از این گذشته، رسیدگی به یک چنین حادثه، از شئون خلیفه اسلام است، نه پسر عموی چند واسطه خلیفه و تحویل قاتلان خلیفه از جانب امام خود اعتراف به خلافت معاویه و عزل خود امام است.

امام در یکی از نامه‌های خود به معاویه این چنین نوشت: «در خصوص قاتلان عثمان بیش از حد اصرار می‌ورزی اگر از رای نادرست خود برگردی من باتو و دیگران بر طبق کتاب خداوند رفتار خواهم کرد اما آنچه را که تو می‌خواهی (واگذاری شامات به تو) شبیه فریب دادن کودک از پستان مادر است.

باز امام در یکی از نامه‌های خود این چنین می‌نویسد:

«چیزی را که مشتاقانه طلب می‌کنی، بدان که آزاد شدگان (طلقا) را نمی‌رسد که پیشوای مسلمانان باشند و همچنین حق ندارند عضو شورای انتخابی خلافت گردند. روشن‌ترین گواه بر این که مسئلهٔ خون‌خواهی عثمان و تسلیم قاتلان او، بانه‌ای بیش نبود و معاویه زیر آن سرپوش، خواهان زعامت و خلافت بود، این است هنگامی که علی (ع) در گذشت، و معاویه زمام امور را بدست گرفت، چیزی که از آن سخن نگفت مسئلهٔ خون عثمان و دستگیری قاتلان او بود. حتی هنگامی که دختر عثمان دامن معاویه را گرفت که خون پدر او را از قاتلان بگیرد، گفت این کار از من ساخته نیست و کافی است که تو دختر عموی خلیفه اسلام باشی.

این بحث گسترده توانست، چهره حقیقت را از لابلای او هام و شکوک بیرون بکشد و حسن درایت و سیاست عاقلانهٔ امام را در عزل، معاویه، ثابت نماید.

